

ویل‌فرد مادلونگ

برگردان: حمید عطائی نظری
(استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

نگاهی به کتاب نوانتشار یوزف فان اس در باب کتاب‌های مِلل و نِحْل نگاشتی اسلامی

۱۴-۹

حمید عطایی نظری

متنی که در پی می‌آید ترجمه فارسی نوشتاری است کتاب‌گزارانه از پروفیسور ویلفرد مادلونگ درباره کتابی نوانتشار از پروفیسور یوزف فان اس با عنوان «یکی و دیگری [یعنی: خدا و همه اندیشه‌های انسان در باب او]: ملاحظاتی در باب کتابهای ملل و نحل نگاشتی اسلامی». مادلونگ در این مقاله کوتاه ضمن ارائه ارزیابی کلی خود از کتاب فان اس، به مهمترین اختلاف نظرهای خود با او در باب مسائل مهم و وقایع سرنوشت ساز و جنجال برانگیز صدر اسلام نظیر مسأله جانشینی پیامبر (ص) و غضب خلافت و کشته شدن عثمان و اختلافات شیعیان و سنیان در این مسائل اشاره می‌کند. پاره‌ای از دیدگاه‌های همدلانه او با نظرگاه‌های شیعه در باب مسائل یادشده، از حیث ابراز آنها از سوی مؤرخ و پژوهشگری بی طرف که نگاهی بیرونی به دو مذهب شیعه و اهل سنت دارد بسیار حائز اهمیت و شایان توجه است.

کلید واژه‌ها: جانشینی پیامبر، غضب خلافت، قتل عثمان، ویلفرد مادلونگ، یوزف فان اس، کتاب یکی و دیگری: ملاحظاتی در باب کتابهای ملل و نحل نگاشتی اسلامی.

Having a Look at Josef van Ess' Newly-Published Book about the Books of Nations and Islamic Disobedience

By: Hamid Atā'ie Nazari

Abstract: The following paper is the Persian translation of a book report written by Professor Wilfred Madelung about Professor Josef van Ess' recently released book *One and the Other [i.e.: God and all the men's thoughts about him]: Considerations about Books of Mellal wa Nehal Negāshti-e Islami*. In this short article, Madelung, presenting his general assessment of Van Ess' book, points out his most important different views from Van Ess over important issues and controversial events of early Islam, such as the question of succession of the Prophet (PBUH), the usurpation of the caliphate, the killing of Uthman, and the Shias and the Sunnis disputes over these matters. Some of his sympathetic views with the Shi'a views on these issues are very important and worthy of consideration since he is a historian and a neutral scholar who has an objective view about both Shiite and Sunni religions.

Key words: The succession of the prophet, usurpation of the caliphate, murdering Uthman, Wilfred Madelung, Josef van Ess, *One and the Other [i.e.: God and all the men's thoughts about him]: Considerations about Books of Mellal wa Nehal Negāshti-e Islami*.

تأملات فی کتاب جوزیف فان اس الصادر حدیثاً
حول تألیف کتب الملل والنحل الإسلامیة

حمید عطایی نظری

المقال الحالي هو ترجمة فارسية لمقال في باب تعريف الكتب للبروفيسور ويلفريد مادلونغ حول كتاب صدر حديثاً للبروفيسور جوزيف فان اس بعنوان یکی و دیگری [أي: الله وكل الأفكار الإنسانية عنه]: ملاحظاتی در باب کتاب‌های ملل و نحل نگاشتی اسلامی (= الواحد والآخر: ملاحظات حول تألیف کتب الملل والنحل الإسلامیة).

يشير مادلونغ في مقالته القصيرة هذه إلى تقييمه العام لكتاب فان اس، لينتقل من خلال ذلك إلى استعراض أهم نقاط خلافه مع المؤلف، وخصوصاً آرائه في المسائل المهمة والوقائع المصيرية والمثيرة للجدل التي حدثت في صدر الإسلام كمسألة خلافة الرسول صلى الله عليه وآله وغضب الخلافة ومقتل عثمان والخلاف الناشب بين الشيعة والسنة آنذاك حول هذه المسائل.

وتحظى آراء الكاتب المتعاطفة مع آراء الشيعة حول المسائل المشار إليها بجانب كبير من الأهمية يدفع القارئ إلى التأمل من جهة أنها تأتي من قِبَل مؤرخ ومحقق محايد ينظر من مسافة واحدة إلى مواقف مذهبي الشيعة وأهل السنة.

المفردات الأساسية: خلافة الرسول، غضب الخلافة، مقتل عثمان، ويلفريد مادلونغ، جوزيف فان اس، كتاب یکی و دیگری: ملاحظاتی در باب کتاب‌های ملل و نحل نگاشتی اسلامی (= الواحد والآخر: ملاحظات حول تألیف کتب الملل والنحل الإسلامیة).

نگاهی به کتاب نوانتشارِ یوزف فان اس در باب کتاب‌های مِلل و نَحْل نِگاشتیِ اسلامی^۱

— ویلفرد مادلونگ

— برگردان: حمید عطائی نظری

*Der Eine und das Andere: Beobachtungen an islamischen
häresiographischen Texten,*

by Josef van Ess (Studien zur Geschichte und Kultur des islamischen Orients/Beihefte
zur Zeitschrift *Der Islam*, n.s. vol. 23. Berlin: WALTER DE GRUYTER, 2011. 2 vols.
Pp. xliv + 1510. \$280.

«یکی و دیگر [یعنی: خدا و همه اندیشه‌های انسان در باب او]:^۲ ملاحظاتی در باب
کتاب‌های مِلل و نَحْل نِگاشتیِ اسلامی»، نوشته: یوزف فان اس.

این اثر دو جلدی سترگ که یوزف فان اس فروتنانه آن را با عنوان فرعی «ملاحظاتی در باب کتاب‌های
مِلل و نَحْل نِگاشتیِ اسلامی» توصیف کرده است، به طور حتم از سوی اغلب خوانندگان به عنوان کتاب
راهنمای جامعی درباره تاریخ مکتوباتِ مِلل و نَحْل نِگاشتی و عقیده نِگاشتیِ اسلامی ارج نهاده خواهد
شد. این کتاب، همتایی شایسته برای دیگر کتاب‌ماندگار فان اس، یعنی کلام و جامعه در قرن دوم و
سوم هجری^۳ به شمار می‌آید. اثری که هم‌اکنون در این زمینه به عنوان مرجع اصلی مورد اعتنای گسترده
محققان و دانش پژوهان است. فان اس در این کتاب، تحقیق خودش را با تحلیلی در خصوص تاریخ
نخستین حدیث مشهور تقسیم اسلام [کذا] به هفتاد و دو فرقه آغاز می‌کند. او سرگذشت بعدی این حدیث
را در سرتاسر بخش اصلی کتاب، یعنی بحث در باب متون مِلل و نَحْل نِگاشتیِ اسلامی و نویسندگان آنها
برحسب ترتیب زمانی از آغاز تا عصر حاضر پی می‌گیرد. بسیاری از این آثار هنوز تصحیح و منتشر نشده
و فان اس به نَسَخ خطی آنها رجوع کرده است و از وجود برخی دیگر از آنها نیز هیچ اطلاعی در دست
نیست. در بخش آخر کتاب، او مِلل و نَحْل نِگاشتیِ اسلامی را به عنوان یک گونه ادبی^۴ برمی‌رسد و در باب
معنای بعضی از اصطلاحات فنی استعمال شده در آن تحقیق می‌کند و زمینه اجتماعی-تاریخی^۵ مِلل و
نَحْل نِگاشتیِ اسلامی را به بحث می‌گذارد.

منابع دست اول و پژوهش‌های سپسینی که مستقیماً یا غیرمستقیم به موضوع مِلل و نَحْل نِگاشتیِ اسلامی
مربوط باشد فراوان است. همچون آثار پیشین فان اس تقریباً در هر صفحه از کتاب حاضر نیز پانویس‌های

۱. مشخصات نشر متن اصلی انگلیسی این کتاب‌گزاری (review) به شرح زیر است:

Journal of the American Oriental Society, Vol. 134, No. 3 (July-September 2014), pp. 531-533.

۲. عبارت داخل قلاب توضیحی است که پروفسور فان اس در پاسخ به پرسش راقم این سطور در باب منظور از عبارت «Der Eine und das Andere»
/ یکی و دیگر» بیان کردند. بنا به گفته ایشان، در حقیقت مراد از «یکی»، خداوند است و منظور از «دیگر»، تمام اندیشه‌ها و تصوّراتی که در طول
تاریخ در اذهان بشری درباره خداوند شکل گرفته است (و دانش مِلل و نَحْل نِگاشتی را پدید آورده است). عبارت ایشان چنین است:

»What I mean is only "God (The One) and all the other ideas or things which grew in human minds about Him (i. e. heresiogra-
phy)«.

3. Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra.

4. literary genre.

5. Sitz im Leben.

زیدی در یمن به سال ۲۸۴ ه. ق / ۹۸۷ م بود.

آیا یک عالم معتزلی حنفی به راستی می‌تواند بر مذهب زیدی باشد یا اینکه صرفاً ممکن است همراهی‌ها و همدلی‌هایی با زیدیه داشته باشد؟ ظاهراً فان اس چنین می‌اندیشد که این فرض ممکن است. او حاکم چشمی نویسنده معتزلی را (که در یمن به نام «جشمی» معروف است)، عالمی زیدی توصیف کرده است که در ایام جوانی استادانی حنفی و معتزلی برای خود برگزید. (ص ۳۶۵، ۷۶۱، ۷۶۲) در حقیقت تراجم‌نامه‌ها توضیح داده‌اند که هر چند حاکم چشمی از نسل محمد بن حنفیه (پسر غیر فاطمی علی [ع]) بود، او و اجدادش از حنفیان سنی بی‌هق بودند. حاکم تنها در دوران کهنسالی‌اش تغییر کیش داد و به جماعت زیدیه پیوست. بسیاری از نگاشته‌های او از جمله تفسیر قرآن سترگش نمایان‌گر عقاید حنفی و معتزلی است، نه اندیشه‌های زیدی. این واقعیات را زیدیان یمن که آثار عالمانه متعدد حاکم به دستشان رسیده بود و سخت آنها را ارج نهاده بودند نیک می‌دانسته‌اند. نظر خیال‌پردازانه فان اس (ص ۳۶۳) که می‌پندارد یمنیان «از اینکه حاکم چشمی بر طبق عقیده معتزلی‌اش و برخلاف اجماع مکتب الهادی الی‌الحق، سه خلیفه نخست، حتی عثمان را هم‌رتبه با علی [ع] می‌دانسته است، شگفت‌زده شدند» به دشواری قابل قبول است.

فان اس تعریف فراخی از شیعه ارائه کرده است. او به جای اینکه شیعه را به «کسی که پس از پیامبر، علی [ع] را به عنوان امام اول قبول دارد» تعریف کند، آن را به معنای «هر کس که [ارادت و] همدلی قوی با علی یا فرزندان او دارد» در نظر گرفته است. او آن‌گاه که محمد بن یزید اصفهانی نویسنده پیش‌وگم گمنام یک سرگذشت‌نامه معتزلی به نام کتاب المصایح را به دلیل اینکه دومرتبه از سه علوی شایسته خلافت سخن گفته است، «شخصیتی احتمالاً شیعی یا دست‌کم دوستدار شیعه» توصیف می‌کند در واقع بروفق همین تعریف فراخ خودش عمل کرده و آن را تأیید نموده است. بر اساس تعریف فان اس خلیفه عمر نیز باید یک «شیعه» به حساب آید؛ زیرا او علی [ع] را به عضویت شورایی که برای تعیین جانشین خودش انتخاب کرد درآورد. به همین منوال بر طبق تعریف او در واقع اکثریت قابل توجهی از مسلمانان نیز باید «شیعه» دانسته شوند؛ زیرا تنها تعداد کمی از مسلمانان، علویان را از اساس لایق خلافت نمی‌دانند. [حضرت] مهدی که سنیان معتقدند حق و عدالت را در جهان احیا خواهد کرد، عموماً از اولاد پیامبر یعنی علی و فاطمه [علیهما السلام] شمرده می‌شود،

متعدد با ارجاعات بسیار آمده است. کتابنامه اثر که به‌طور فشرده هم چاپ شده است و تازه عناوینی هم که تنها یک بار در کل کتاب به آنها ارجاع داده شده در آن درج نگردیده متجاوز از هفتاد صفحه است. خوشبختانه فان اس برای خواننده، سیاحت بی‌زحمت در دریایی از منابع را به ارمغان آورده است و تفاسیر و برداشت‌های خودش را به نحوی جذاب و قانع‌کننده ارائه نموده، حتی در جاهایی که در نتایج حاصله تردید هست. کاوش در دریاها، چنان‌که معروف است، هیچ‌گاه استقصای تام و فراگیر نخواهد بود و این دریای منابع و مکتوبات مربوطه پیوسته رو به گسترش است، چراکه همواره منابع تازه‌ای کشف می‌شود و مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ناظر ناقد که چه بسا خواهد «یکی و دیگری» [یعنی مطالب و منابع دیگر] را نیز به این کتاب بیفزاید، خیلی زود درمی‌یابد که از محدوده‌ای که برای نقد گذاشته شده فراتر رفته است.

یک جنبه اصلی شایان توجه [در خصوص این کتاب] مربوط است به موضوعی که داوری‌های فان اس آشکارا محل مناقشه به نظر می‌رسد. خوانندگانی که با آثار قبلی فان اس آشنا باشند ممکن است از اینکه وی در این کتاب خود بسیاری از نویسندگان مسلمان را شیعه، یعنی زیدی، امامی و اسماعیلی دانسته است، در حالی که هم‌بوخی از آنها را پیش‌تر در آثار قبلی خود قاطعانه غیر شیعی خوانده است شگفت‌زده شوند. یک نمونه بارز در این خصوص، ابوالقاسم بلخی کعبی معتزلی [م ۳۱۹ ه. ق]، نویسنده یکی از اثرگذارترین کتب ملل و نحل [به نام المقالات] است که فان اس در مقاله مبسوطش در دائرة المعارف ایرانیکا (۱: ۳۵۹، ۳۶۲) او را به عنوان «فقیه حنفی و برجسته‌ترین نماینده معتزله در خراسان» که «همدلی‌های بسیاری با زیدیه» دارد وصف کرده است. در این کتاب اما او به کرات از کعبی با عنوان یک معتزلی زیدی یاد کرده است و افزوده:

بنابراین او نماینده آن‌گونه از تشیع است که برای نسل‌ها منزلگاهی در میان معتزله یافته بودند. (ص ۳۲۹)

این سخن نادرست است و می‌توان بی‌درنگ آن را و نهاد. کلام زیدی متقدم از حیث اقرار و اعتقادش به قدر الهی به شدت ضد معتزلی است و هیچ عالم زیدی متقدمی را نمی‌شناسیم که منزلگاهی در میان معتزله یافته باشد. نخستین عالم زیدی برجسته که کلام معتزلی و به‌طور خاص کلام (الهیات) کعبی را پذیرفت، یحیی الهادی الی‌الحق [م ۲۹۸ ه. ق]، بنیان‌گذار امامت

6. den Einen und das Andere.

نه از فرزندان عمر یا هر تبار دیگری.

سرنگونی او پشتیبانی کردند یاد نموده اند. علی [ع] با میانجیگری میان طرف ها قصد داشت از خلیفه که خویشاوند او از طریق امّ حکیم البیضاء [دختر عبدالمطلب و مادر بزرگ مادری عثمان و] عمه او و پیامبر بود، محافظت کند. حتی وقتی علی [ع] احساس کرد که چون عثمان توصیه و راهنمایی وی را نمی پذیرد و او را متهم می نماید، دیگر قادر به وساطت کردن نیست، به هنگام محاصره خلیفه توسط شورشیان، فرزندان حسن و حسین را برای دفاع از خلیفه روانه کرد. [حتی] حسن [ع] در طی درگیری های همین محاصره به طور سطحی آسیب هم دید.

این مطلب هم درست است که علی [ع] با هر سه خلیفه پیش از خود عهد بیعت بست، اما او و عموم بنی هاشم تنها پس از رحلت [حضرت] فاطمه [س]، یعنی شش ماه بعد از وفات پیامبر [ص]، با ابوبکر بیعت کردند. آشکارا دلیل این امر آن بود که فاطمه [س] به عنوان تنها فرزند بازمانده از پیامبر [ص]، نخستین وارث و جانشین او بود و بر اساس قانون ارث در قرآن او باید هفت هشتم دارایی ها و حقوق پدرش را به ارث می برد، در حالی که همسران بازمانده پیامبر وی هم رفته استحقاق یک هشتم از اموال او را داشتند. با این وصف حق فاطمه [س] به او داده نشد. به نحوی منطقی توان پنداشت این واقعیت که وارثان پیامبر [ص] فقط زن ها بودند بر عمر که مردی بس جاه طلب و عمیقاً مخالف با ایده حقوق زنان و حکومت آنان بر مردان بود. گران می آمد و او را آزرده می ساخت و در نظرش ناپذیرفتنی می نمود. این مخالفت منجر به انتخاب ابوبکر در سقیفه و تهدید عمر به سوزاندن خانه دختر پیامبر [ص] و خانواده او شد. انتخاب ابوبکر بعد از سوی خود عمر یک «فلته»، یعنی کاری شتاب زده و عجولانه خوانده شد. از دید تاریخی، این «فلته» کودتایی نظامی بود که در طی آن خاندان حاکم برکنار شدند، زندگی جانشین برحق و مشروع پیامبر [ص] در معرض تهدید قرار گرفت و نظام اولیه جامعه اسلامی در مدینه که تحت لوای آن قریش و دیگر مهاجران و انصار مدینه هم رتبه و برابر بودند برچیده شد و خلافت قریش جایگزین آن گردید که انصار و سایر مسلمانان را تبدیل به پیروان فاقد حق رأی قریش نمود.

[در واقع] این سقیفه بود که موجب تفرقه و دودستگی بزرگ در اسلام شد. تفرقه ای که منجر به کشت و کشتار ظاهر ابی پایان مسلمانان از آغاز جنگ های رده تا به امروز گردیده است. بسیاری از مسلمانان در آن زمان عمل قاطعانه و رهبری حساب شده عمر را در خصوص ممانعت از جانشینی یک زن در حکومت بر جامعه

مشکل اصلی در اینجا پافشاری فان اس بر این مطلب است که آن تفرقه اصلی که موجب جدایی شیعه از اهل سنت شد، تنها در نتیجه فتنه اولی، یعنی نزاع داخلی مسلمانان که در طی آن عثمان خلیفه سوم از خلافت معزول و کشته شد، پدید آمد. (ص ۹۴) فان اس بر ملل و نحل نگاران شیعی و سنی که تاریخ این تفرقه و جدایی را به زمان وفات پیامبر و وقایع مشهور رخ داده در سقیفه بنی ساعده باز می گردانند خنده می گیرد و به انتقاد از آنها برمی خیزد. فان اس معتقد است که علی [ع] خلافت ابوبکر و عمر را پذیرفت، اما همو در پشت شورش علیه عثمان قرار داشت و زمینه ساز قتل خلیفه و بروز تفرقه ای گشت که موجب جدا شدن گروه پیرو او (شیعه) از اجتماع بزرگ تر مسلمانان (جماعه) شد. [از نظر فان اس] تنها پس از رحلت علی [ع] بود که پیروان تندرو ترا و شروع کردند به انکار خلافت ابوبکر و عمر و بدگویی از آنها و همه صحابه پیامبر که از آنها حمایت می نمودند.

این دیدگاه تاریخی که نظرگاه های تاریخ پژوهان آغاز قرن بیستم مثل هنری لامینس^۷ و لئونه کاتتانی^۸ را به جای باور اهل سنت بازتاب می دهد، دیگر امروزه پس از گذشت بیش از یک قرن تحقیقات تاریخی پذیرفته نیست. درست است که عنوان «شیعه علی» در تاریخ تنها پس از به خلافت رسیدن علی [ع] در طی فتنه اولی پدیدار گشت.^۹ همچنین درست است که نام گروه مخالف، یعنی «شیعه عثمان» و «عثمانیه» نیز فقط پس از مرگ عثمان شایع شد و اغلب به طرفداران معاویه که در پی انتقام خون خلیفه مقتول برآمده بود، اطلاق می گشت. با این وصف، مذهب و اعتقادات اهل سنت هرگز علی [ع] را در خصوص قتل عثمان متهم نمی داند، بلکه به جای آن وی را به عنوان چهارمین خلیفه از خلفای راشدین به رسمیت می شناسد و بنابراین او را در مبارزه اش با معاویه که به طرزی موزیانه در خصوص قتل خلیفه تقصیر را به گردن علی [ع] می انداخت تا بتواند خلافت را به چنگ خود آورد برحق می داند. منابع تاریخی سنی از عمرو بن عاص، عایشه و طلحه به عنوان سرکردگان صحابیانی که از شورش علیه عثمان و

7. Henri Lammens.

8. Leone Caetani.

9. این عقیده مادلونگ که «عنوان «شیعه علی» در تاریخ تنها پس از به خلافت رسیدن علی [ع] در طی فتنه اولی پدیدار گشت» خلاف بسیاری از نصوص و روایات مندرج در کتب شیعه و اهل سنت از پیامبر اکرم (ص) است که در آنها پیامبر در زمان حیاتشان عنوان «شیعه علی» را برای اشاره به دوستداران و پیروان حضرت علی (ع) به کار برده اند. در خصوص این روایات نگرید به: سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل والنحل، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الرابعة، قم، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۰۱، ۱۰۶.

۱۰. فان اس آن را به درستی «etwas überstürzt» ترجمه کرده است، ص ۸۰۹.

اسلامی تحسین نمودند و آماده باورکردن سخن ابوبکر مبنی بر اینکه خود پیامبر [ص]، دختر و همسرانش، امهات المؤمنین، را از ارث محروم کرده بودند. شمار زیادی از مسلمانان هنوز هم آشکارا چنین رفتار می‌کنند. تازه بسیاری نیز اعتقاد داشته‌اند و هنوز هم معتقدند که نوادگان و ذریه ذکور پیامبر حق موروثی مشروع‌تری دارند و به حق برای حکومت بر جامعه مسلمانان نسبت به دیگران، خواه قرشی یا غیر قرشی، مناسب‌تر هستند. به همین دلیل است که فان اس می‌تواند شیعیان میانه‌رو پرشماری چون کعبی، مسعودی، ابن ندیم، مقدسی و ابن حوقل را در میان نویسندگان مسلمان بیابد که با بیشترین معیارها سنی و نیز معتزلی تمام عیار بودند. ممکن است کسی از خود پرسد: آیا در عصر جدید ما که حقوق زنان و حکومت آنها تقریباً به نحو جهانی پذیرفته شده است و گاه بر حکومت مردانه نیز رجحان می‌یابد، ممکن نیست مسلمانان سنی معتقد شروع به پرسش از خود کنند که: آیا جامعه نخستین [اسلامی] در صورتی که بجای حمایت از کودتای شوم رهبر مردسالار جدید اسلام از حکم خداوند در قرآن اطاعت کرده بود در نهایت کامیاب‌تر نمی‌شد؟